

دکتر محمدباقر بهرامی:

جهان در هزاره سوم ، هزاره جابجایی هستی شناسی ها ، فلسفه فکری ها ست

دکتر محمدباقر بهرامی رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی در کارگاه تخصصی نگاه به شرق با موضوع رابطه ایران و عربستان و نقش آن در ثبات و امنیت خاورمیانه که به میزبانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر برگزار شد به بررسی نقش اسلام و جایگاه انقلاب اسلامی در آینده جهان به ویژه خاور میانه پرداخت

به گزارش خبرنگاران جامعه گزارش خبر، دکتر محمدباقر بهرامی رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی در کارگاه تخصصی نگاه به شرق با موضوع رابطه ایران و عربستان و نقش آن در ثبات و امنیت خاورمیانه که به میزبانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر برگزار شد به بررسی نقش اسلام و جایگاه انقلاب اسلامی در آینده جهان به ویژه خاور میانه پرداخت و بیان داشت:

یکی از آفت هایی که به جامعه نخبگان ما سرایت کرده است بحث چیستی ، چرایی و چگونگی تحلیل مسائل سیاسی می باشد. بدون شک تحلیل مسائل سیاسی راهبردها و ساختارهای خاصی دارد.

بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند ایران جامعه ما به یک بلوغ سیاسی رسید و به زبان عامیانه همه مردم مجتهد تحلیل مسائل سیاسی شده اند. این موضوع باعث عدم شفافیت در اصل تحلیل مسائل سیاسی است و تبعاتی نیز به همراه دارد.

خداوند در قرآن آیه ۳۶ سوره اسراء میفرماید: وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا یعنی از آنچه به آن علم نداری دم نزن

امام راحل نیز در قنوت ذکر اللهم ارنی الاشیاء كما هی یعنی خدایا چیزها را همانگونه که هستند، به من بنما را قرائت می کردند. بنابراین در می یابیم چرایی و چیستی امور در علوم اجتماعی یک امر راهبردی در شناخت شناسی است و اینکه هر پدیده ای را می خواهیم تحلیل کنیم باید چیستی ، چرایی و چگونگی اش را آنطور که هست ببینیم.

این ضرورت در جهان امروز که روابط بین الملل حتی روابط انسانها پیچیده شده است بسیار مهم است. در بحث جنگ شناختی که بر علیه جمهوری اسلامی طراحی و مهندسی شده از طرف کانون های فکری غرب ، بویژه صهیونیست ها ، آمریکایی ها و انگلیسی ها هدایت می شود، حتی برخی نخبگان علمی ما دچار اشتباهات تاکتیکی شدند.

حال سوال اینجاست که اگر در تحلیل مسائل سیاسی و روابط بین الملل و حتی روابط داخلی علم نداریم چه کنیم؟

امام علی در نهج البلاغه خیلی صریح و شفاف در این باره فرموده اند که باید میانه روی پیشه کرد. در واقع اگر نتوانیم حق را از باطل تشخیص بدهیم که حق واقعیت این پدیده سیاسی چیست و مختصات آن چیست باید عمل به احتیاط کرد.

حضرت در این خصوص فرمود: کُنْ فِی الْفِتْنَةِ کَابَنَ اللَّیْلِ لَا ظَهَرَ فِیْهِ رُجُبٌ وَلَا ضَرَعٌ فِیْ حُلْبٍ یعنی هنگام فتنه چون شتر دو ساله باش نه پستی دارد تا سوارش شوند و نه پستانی تا شیرش دوشند(چنان زی که در تو طمع نبندند) در فتنه چنان باش که بارت نهند ز این آتش تند در حذر باش و به هوش تا مدعیان رند، جانت نخرند

فتنه در سال ۱۴۰۱ شفاف تر بود اما در سال ۸۸ خیلی پیچیده بود. جامعه از ما دانشگاهیان ما اعضای دانشگاه، پژوهشگران، استادان ، دانشجویها ، معلمان انتظاراتی دارد. چرا که خطای این جامعه ضریب نفوذ بالایی دارد و جبران مافات بعید است و نگاه جامعه را تغییر خواهد داد.

در روایات آمده است فساد در جامعه فقط فساد اخلاقی نیست. یعنی اگر استاد و معلم و دانشجو و دانشگاهی اگر نتوانند واقعیت ها را آنطور که هست تحلیل کنند، اثر اجتماعی و تبعاتش بیشتر است.

امام خمینی (ره) در این باره فرمود: اِذَا فَسَدَ الْعَالَمُ فَسَدَ الْعَالَمُ فَاسَدَ الْعَالَمُ را متعفن میکند.

تاثیر نگاه عالم ، دانشگاهی و پژوهشگر در جامعه بود که انقلاب اسلامی شکوهمند جمهوری ایران در یک شرایط زمانی جهانی بسیار تاریخی به وقوع پیوست.

بدون شک نظام جهانی در حال یک تحول تحول پارادیمی درونی در همه ابعاد است. یک تحول ساختاری در پارادایم نظام جهانی دارد شکل می گیرد به تبع آن نظام بین الملل هم دارد تغییر ماهیت می دهد و هویتش را تغییر می دهد. این تحول ساختاری نظام بین الملل در دنیا یک واقعیت است. یعنی ساختار و مهندسی پروژه ای بعد از جنگ جهانی دوم در زمان جنگ سرد از حیز انتفاع افتاده است.

در آثار دانشمندان غربی در نظرات فوکویاما در رابطه با لیبرالیسم می بینید که امروز واقعا لیبرالیسم نه تنها در دنیا حنايش رنگی ندارد.

از منظر جغرافیایی هم که لیبرالیسم و اومانیسم متولد شد به دلیل رجوع غرب از خدا محوری به انسان محوری و شکل گیری دایره فکری لیبرالیسم پایان عمر فلسفه فکری فرا رسید.

آنها نیز در آثار سیاسی کیسنجر که نظرات سیاسی می دهد غروب لیبرالیسم و اومانیسم را می بینید. در نظرات فوکویاما هم غروب لیبرالیسم و اومانیسم دیده می شود. در آثار جوزف نای و دانشمندان اینچینی غرب که مسائل جدیدی را که مطرح می کنند غروب فلسفه لیبرالیسم و اومانیسم آشکار است.

به تبع آن جهان در هزاره سوم ، که هزاره جابجایی هستی شناسی ها ، فلسفه فکری ها ست نظریات جدیدی را طلب می کند. هانتینگتون در برخورد تمدن ها یک واقعیتی را مطرح کرده است در اواسط کتابش اشاره کرده است و خطاری به دولت های آمریکایی میدهد و می گوید دشمن آینده شما اسلام و کنفوسیوس است مواظب باشید کشورهای اسلامی اگر با کشورهای کمونیستی که در راس آنها چین است یکی بشوند اینها با هم همپوشانی دارند اینها با هم مخالفت و معاودت ندارند اینها اگر با هم سازگار شوند، به هیچ کس رحم نخواهند کرد.

آن زمان هانتینگتون هشدار داده است جهان بشریت در تغییر ساختار پارادایمی خودش جابجایی هستی شناسی دارد و میبینیم و می توان ادعا کرد هزاره سوم از آن ادیان توحیدی است چون فلسفه اومانیسم ، ماتریالیسم و ایدئولوژی های لیبرالیسم و سوسیالیسم پایان کارشان اعلام شده است.

حکمرانی هایی که براساس این فلسفه های فکری بود پایان کارش تمام شد یعنی الان شما وقتی می بینید اساسنامه سیاست خارجه روسیه را که پوتین اعلام کرده را دقت کنید حرف هایی که ایشان میزند ۸۰ درصدش بوی معنویت می دهد و این به معنای گذر از فلسفه فکری ماتریالیسم است.

چینی ها نیز همینطور هستند انقلاب اسلامی در یک اینچنین شرایطی به وقوع پیوست در کدام کشور ، در جغرافیایی که حداقل ۷ هزار سال سابقه تمدنی دارد و این سابقه تمدنی با مفاهیم اسلام عجین شده است؟

بعد از اسلام آوردن ، دوستان بدون تعارف با پرچم داری فلسفه فکری ائمه یعنی تشیع ، در جغرافیایی که هیچ انسانی نه در خارج از کشور بلکه در داخل ، نه فقط مردم عادی بلکه نخبگان ، نه تنها نخبگان بلکه انقلابیون باور نداشتند که ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در این جغرافیا رژیم سیاسی ، نظام سیاسی ش که پشتوانه های مطلق غرب را داشت و از شرق هم تغذیه می شد بتواند ساقط شود.

هیچکس باور نمی کرد و شد و این کار شد. در بین ادیان الهی تنها ایدئولوژی که الان فوران دارد نور افکن است قدرت مدیریت دارد تفکر و قرائت امام و رهبری از اسلام است که غیر از قرائت پیامبر (ص) و ائمه نیست و همان دینی است که آن وایز عضو انجمن علوم سیاسی کانادا در رابطه با انقلاب ۱۹۷۹ می گوید: می توان با توجه به تأثیری که بر فکر و ذهن مردم جهان در اواخر قرن بیستم داشت یعنی انقلاب اسلامی بر فکر و ذهن مردم جهان یعنی حوزه اندیشه مردم جهان را تأثیر گذار بوده است ربطی فقط به شیعیان و مسلمانان ندارد بطور قطع نقطه عطفی در تاریخ سیاسی ایران ، خاور میانه و تمامی جهان است.

دکتر استفان جونز استاد علوم سیاسی دانشگاه سانفرانسیسکو می گوید: پیروزی انقلاب اسلامی ایران نه تنها موجب حیرت و شگفتی ایالات متحده آمریکا و سایر قدرت های غربی شد بلکه اتحاد جماهیر شوروی را نیز شگفت زده کرد.

جوزف مونتهویل محقق مرکز مطالعات استراتژیک واشنگتن و کارشناس مسائل خاور میانه می گوید انقلاب اسلامی ایران آغاز گر و محرک جنبشی بود که اعاده هویت و استقلال مسلمانان را به همراه داشت این انقلاب در زمانی محقق شد که جهان در حال تغییر هستی شناسی ها ست و علمدار و سردمدار و کوه آتشفشانی انقلاب اسلامی ایران با تفکر امام و ولایت فقیه است.

یعنی این زیباترین قرائت از اسلام ناب محمدی (ص) است. هر جامعه ای حق دارد از حاکمان خودش ، حکمرانان خودش که وکیل اونها هستند در حکمرانی ، مصالح ملی و منافع ملی ش رو بخواهد مصالح ملی و منافع ملی هر جامعه اولین خواسته ی ، خاستگاهی مردم جامعه از سردمداران و رهبران حکومتی شون است که مقام معظم رهبری در ملاقات سفرای ایرانی مقیم خارج بحث عزت ، حکمت و مصلحت را کالبد شکافی کردند و مطرح کردند آینده نگری ثروت می آورد. اگر کتاب های آینده پژوهی دانشمندان رشته های مختلف ، بویژه علوم سیاسی و روابط بین الملل را بجوشانیم عصاره ی آن یک قطره از این دو تا کلمه حدیث امام صادق (ع) نمی شود.

چرخش نظام سیاسی و نظام بین الملل در حال شکل گیری و خروج از پارادایم لیبرالیسم و اومانیسم و تفکرات غربی و شرقی و رجوع به تفکرات شرقی است. قطعا در آینده ، به ویژه در آسیا یک فرهنگ با اصالت به نام تمدن اسلامی داریم که پیاده سازی هم شده است.

اینکه مقام معظم رهبری می گوید من به آینده امیدوارم و آینده را روشن می بینم با تحلیل مفاهیم درست و مبانی غنی و قوی الهی و علمی است.

یکی از توطئه های غربی ها در جنگ ترکیبی همین اغتشاشات سال ۱۴۰۱ و برنامه دشمن شناسی در کشور بود.

در این شرایط استاد و دانشجوی ما باید قوی باشد و توطئه دشمن را بشناسد. نگاه جمهوری اسلامی به شرق یک نگاه تاکتیکی نیست یک نگاه استراتژیک است که پشتوانه و منطق دارد. منطقی علمی و اعتقادی چرا که شرق و آسیا در حال احیا شدن هستند و فرمان نظام بین الملل را به دست خواهند گرفت. در این میان قطعا بازیگران این نظم جدید که مقاوم تر و منسجم تر باشند سهم بازیگری بیشتری در نظم نوین آینده خواهند داشت.